

## بررسی موانع مشارکت سیاسی زنان در افغانستان

صدیقه جعفری\*

### چکیده

در این تحقیق تلاش شده است که به بررسی موانع مشارکت سیاسی زنان (امنیت، تحصیلات و فرهنگ سیاسی) پرداخته شود که بر مبنای تحقیقات توصیفی-تحلیلی انجام گرفته است. مشارکت سیاسی به عنوان متغیر وابسته و امنیت، تحصیلات و فرهنگ سیاسی به عنوان متغیر مستقل مورد بحث قرار گرفته‌اند. این تحقیق با توجه به اطلاعات به‌دست‌آمده از اداره مرکزی احصائیه و مطالعات کتابخانه‌ای از منابع معتبر تدوین شده است. منابع مورد استفاده به چند دسته تقسیم می‌شوند. دسته اول شامل اسناد رسمی اداره مرکزی احصائیه و روزنامه‌ها است و دسته دوم شامل مقالات، کتاب‌ها، مجلات و گزارش‌های بین‌المللی معتبر می‌باشد. دو دهه گذشته، تغییرات زیادی را برای جامعه افغانستان و به خصوص زنان کشور در پی داشته است. بعد از حضور جامعه جهانی و برگزاری چندین انتخابات پارلمانی و ریاست جمهوری و شکل گرفتن نظام نوین سیاسی در این کشور و با تدوین قانون اساسی جدید، جایگاه و حقوق زن در جامعه از لحاظ فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی و سیاسی دگرگون شد و امیدها را برای داشتن جامعه‌ای عاری از نگاه‌های جنسیت‌زده و خشونت علیه زنان بیش تر کرد. برای از میان برداشتن موانع مشارکت سیاسی زنان، علاوه بر حمایت و فشار جامعه جهانی، خود زنان در مرحله اول باید دیدگاه خود را تغییر دهند و بعد جامعه و حکومت افغانی باید تعهدات

\* ماستری رشته مدیریت اجرایی.

خود را نسبت به موقف سیاسی زنان عملی کنند.

واژگان کلیدی: زنان، مشارکت سیاسی، حقوق سیاسی، تحصیلات، امنیت.

## ۱. مقدمه

مشارکت سیاسی در دنیای مدرن، امری ضروری و اجتناب‌ناپذیر است؛ به گونه‌ای که حتی بسته‌ترین نظام‌های جهان و معدود نظام‌های توتالیتری که هم‌چنان ادامه حیات می‌دهند نیز خود را از مشارکت مردمان خود-هرچند به صورت صوری در زمینه‌های گوناگون و به ویژه مشارکت سیاسی-بی‌نیاز نمی‌بینند؛ از این رو، در اصل مشارکت و اهمیت آن برای تمامی جوامع و کشورها در سطوح و اشکال گوناگون شکی نیست. همان‌گونه که «نوهلن» نیز اظهار می‌دارد، امروزه دموکراسی به عنوان شیوه‌ای از زمامداری ابعاد جهانی یافته است و روشن است که مشارکت سیاسی در دموکراسی‌ها امری حیاتی و ضروری است (نوهلن، ۲۰۰۲: ۱۲). مشارکت سیاسی اجتماعی زنان در کشورهای در حال توسعه و بسیج آن‌ها در قالب مشارکت مؤثر و سازمان‌یافته در فرایند توسعه پایدار جایگاه ویژه‌ای دارد (اسکف، ۱۹۷۵: ۶۰). به اعتقاد سیمون «این طبیعت زنان نیست که محدودیت‌هایی را در نقش آنان موجب شده است؛ بلکه این نقش‌ها زائیده مجموعه‌ای از پیشداوری‌ها، سنت‌ها و قوانین کهن‌اند که زنان نیز در پیدایش آن سهیم بوده‌اند.» (آندره، ۱۳۷۲: ۱۱۵). در تبیین این موضوع باید گفت مشارکت زنان در سیاست تنها به معنای شرکت در انتخابات و رأی‌دادن نیست؛ بلکه مشارکت سیاسی به معنای آن است که زنان در تمام نهادهای دموکراتیک، نقش تعیین‌کننده و تصمیم‌گیرنده داشته باشند و این در حالی است که در جامعه افغانستان بعضی از وظایف سیاسی و فرهنگی با جنسیت تعیین می‌شود. در افغانستان، با توجه به آمار رسمی، بیش از ۶۰ درصد دختران از تحصیل محروم هستند و به دلیل عدم امنیت و فرهنگ سیاسی موجود، از حضور در صحنه‌های سیاسی بازمی‌مانند.

## ۲. بیان مسئله

### بنیاد اندیشه

حضور زن در جامعه و افزایش مشارکت اجتماعی-سیاسی او یک امر واقع و مقبول است. حضور اساسی زن در جامعه و آزادی اندیشه او نشان رشد جوامع و عقلانیت آن است. حال به پیروی از اهمیت موضوع، لزوم توجه به توانمندی‌های بخش عظیمی از جامعه در فرایند توسعه پایدار، به ویژه توسعه سیاسی، احساس می‌شود. مشارکت سیاسی، درگیر شدن فرد در سطوح مختلف نظام سیاسی را شامل می‌شود. مشارکت سیاسی با اجتماعی شدن سیاسی رابطه دارد (پری، ۱۹۹۰: ۱۴۷). در تعاریف سنتی، هرگاه سخن از جنس زن به میان می‌آید، بلافاصله به صورت مقایسه‌ای نقش وظایف از پیش

تعیین شده‌ای نسبت به مردان مطرح می‌شود و بلافاصله یک نتیجه‌گیری مشخص و ضابطه‌مند ترسیم می‌شود؛ به این صورت که زنان ساخته شده‌اند که یاد بگیرند سیاست کار مردان است و این مطلب را درونی کرده و عادی قلمداد کنند. در چنین حالتی، هنجارهای فرهنگی موجود که فرد در جریان جامعه‌پذیری آن‌ها را یاد می‌گیرد، سیاست را امری مردانه تعریف می‌کنند و در مقابل، انتظارات مربوط به تعهد زنان را تنها به خانه، خانواده و خدمات جامعه ابلاغ و تقویت می‌کنند. این نوع رویکرد برگرفته از رویکرد کارکردگرایانه و از نظریات اندیشمندانی مانند تالکوت پارسونز و رابرت بیلن درباره تفاوت‌های جنسیتی و چگونگی جامعه‌پذیری آن‌ها است (شجاعی، ۱۳۸۳: ۱۹۳ و موحد، ۱۳۸۲: ۱۲). مشارکت سیاسی دارای سلسله‌مراتبی است که از عدم درگیری تا گرفتن مقام رسمی یا عضویت فعال حزبی متغیر است. پایین‌ترین سطح مشارکت واقعی، رأی‌دادن در انتخابات است (هلد، ۱۹۸۴: ۱۲۴). وضعیت زنان در هر جامعه‌ای نشانگر مقدار پیشرفت آن جامعه است و این واقعیتی است که روز به روز تعداد بیش‌تری آن را درمی‌یابند (میلر و همکاران، ۲۰۰۶: ۲۶۹). حضور زنان در سیاست در جامعه سنتی و مردسالار افغانستان با مشکلات متعددی روبه‌رو است. بحث اصلی در این نوشتار، بررسی موانع مشارکت سیاسی زنان در افغانستان (امنیت، تحصیلات و فرهنگ سیاسی) است.

### ۳. تعریف مفاهیم

#### ۳-۱. مفهوم سیاست

سیاست در لغت به معنای پاس‌داشتن ملک، حفاظت، حراست، حکم‌راندن، رعیت‌داری، ریاست و داوری آمده است؛ اما در اصطلاح می‌توان گفت سیاست از مفاهیم سهل و دشوار است (لغت‌نامه دهخدا، ۱۳۹۲: ۲۲۱). از سیاست تعریف‌های مختلفی ارائه شده که بیانگر نوع نگاه دانشمندان به این موضوع است. برخی سیاست را به فن و عمل حکومت‌اجتماعات انسانی تعریف کرده‌اند (دوروزه، ۲۰۱۸: ۱۲). برخی دیگر، سیاست را راهی برای حکومت بر جوامع متشکلت و از طریق روندی شامل و بری از خشونت غیر لازم دانسته است (تانسی، ۱۳۸۱: ۱۲).

#### ۳-۲. مشارکت سیاسی

مشارکت سیاسی به معنای فرصت پرداختن شمار زیادی از شهروندان به امور سیاسی، از شرط‌های لازم دموکراسی است (لیپست، ۱۳۸۳: ۱۲۴). برخی مشارکت سیاسی را فرایندی می‌دانند که وابسته به شرایط زمانی و مکانی است. یک اقدام در یک زمان خاص و در یک کشور ممکن است سیاسی باشد و مشارکت سیاسی به شمار رود؛ در حالی که همان اقدام در همان کشور در یک زمان دیگر سیاسی

نباشد و یا این که همان اقدام در همان زمان در کشور دیگر سیاسی به حساب نیاید. هم چنین، این سؤال وجود دارد که مشارکت سیاسی به فعالیت های قانونی اطلاق می شود یا شامل فعالیت های غیر قانونی نیز می شود؟ برخی با توجه به همه این شرایط، تعریف گسترده تری از مشارکت سیاسی ارائه داده اند: هر نوع اقدام داوطلبانه، موفق یا ناموفق، سازمان یافته یا بی سازمان، مقطعی یا مستمر که برای تأثیرگذاری بر انتخاب سیاست های عمومی، اداره امور عمومی یا گزینش رهبران سیاسی در سطوح مختلف حکومتی یا ملی، روش های قانونی یا غیرقانونی را به کار گیرد (واینر، ۱۳۸۰: ۲۴۷). مشارکت سیاسی زنان مقدمه ای برای تقویت فرایند اخذ تصمیم و راهی به سوی همبستگی بیش تر جامعه و تغییر در کیفیت زندگی عمومی اجتماع است. به دلیل پیامدهای مثبت مشارکت سیاسی زنان است که امروزه بیش از هر زمان دیگر و با توجه به نیازهای جوامع به آن اهمیت می دهند. قدرت واقعی زنان، مشارکت در تصمیم گیری و تصمیم سازی سیاسی است، نه صرفاً در فعالیت های اجتماعی؛ زیرا دوری آنان از مراکز تصمیم گیری سیاسی، آنها را از مراکز تصمیم گیری اجتماعی و اقتصادی هم دور می کند. مشارکت زنان در حاکمیت و قدرت، تحقق حقوق انسانی آنها را بی واسطه تضمین می کند. مشارکت سیاسی از حقوقی منتج می شود که شامل تصمیم گیری سیاسی است؛ اما به رغم این واقعیت که زنان به طور طبیعی دست کم نیمی از جمعیت هر کشوری را تشکیل می دهند، غیر عادی نیست دریابیم که زنان عملاً از مشارکت سیاسی در بسیاری از قسمت های دنیا به خاطر جنسیت شان محروم شده اند و اغلب تقویت شده اند تا ناظرانی صرف باشند تا شرکت کنندگانی فعال (4: Zelek, 2005).

### ۳-۳. حق سیاسی

قدرتی که از طرف قانون به شخص داده می شود، حق نامیده می شود (جعفری لنگرودی، ۱۳۷۶: ۲۱۶). حقوق سیاسی، تفسیر پدیده های سیاسی از منظر حقوقی است (عالم، ۱۳۷۲: ۴۹)؛ بنابراین، حقوق سیاسی زنان، مجموعه حقوقی است که شرایط حضور زنان را به گونه ای مطرح کند که قدرت احراز مناصب و مشاغل سیاسی و اجتماعی را داشته باشد و در همه پیش زمینه های آن شرایط موازنه را به جای ارائه حق تساوی در شرایط نامساوی معرفی کرده و حقوقی که زن به لحاظ انسان بودن و زن بودن، یعنی جنسیتش، برای زندگی انسانی خود بدان نیازمند است، بیان کند (شایگان، ۱۳۷۴: ۵۷۱)؛ بنابراین، به نظر می رسد حق مشارکت سیاسی، جزو حقوق ذاتی شمرده می شود نه حق اکتسابی.

## پیشینه تحقیق

سازمان بین‌المللی همکاری و آموزش زنان<sup>۱</sup> (۲۰۱۱) با تهیه سلسله‌گزارش‌هایی تحت عنوان «رهمنونی به مشارکت سیاسی زنان»، تلاش دارد با برگزاری چندیدن کارگاه و جلسه آموزشی، شرکت‌کنندگان را با موانع مشارکت سیاسی زنان آشنا کند. در هر یک از این جلسه‌ها شرکت‌کنندگان موانعی را که در راه مشارکت بیش‌تر عمومی زنان وجود دارد، مورد بررسی قرار می‌دهند و مثال‌هایی از زندگی زنانی که در عرصه سیاسی فعال هستند، می‌آورند و این‌که این زنان چگونه با این موانع رفتار کرده‌اند. این کتاب هم‌چنین دربرگیرنده سناریوهای گوناگون است که برای مبادله آزاد نظرهای انتقادی و یا طرح پرسش‌ها توسط شرکت‌کنندگان موضوع، این جلسات را به چالش می‌کشند و به این ترتیب با ایده‌هایی که در کارگاه معرفی می‌شوند، موضوع جلسات به پیش می‌رود.

جهانگیری و همکاران (۱۳۸۹) کتابی تحت عنوان سیاست‌نامه ۴-۵ تبعیض و مشارکت سیاسی زنان، نقش آموزش و پرورش را به چاپ رسانده‌اند که حاوی مجموع ۱۱ مصاحبه با فعالین در حوزه حقوق زنان می‌باشد. این کتاب در سه بخش تدوین شده است: در بخش اول به امر آموزش و تأثیر آن در مشارکت سیاسی زنان پرداخته شده است. بخش دوم با عنوان «مشارکت سیاسی فراتر از آموزش» به چندوجهی بودن مشارکت سیاسی زنان و رفع تبعیض از زنان اشاره دارد. بخش سوم نیز به تجربه فعالین حقوق زن و مبارزات آنان در کشور افغانستان اختصاص یافته است.

واحد تحقیق و ارزیابی افغانستان (۱۳۹۰) گزارشی تحت عنوان «حقوق مساوی و فرصت‌های نابرابر: مشارکت زنان در انتخابات پارلمانی و شوراهای ولایتی» را به چاپ رسانید که در آن ابعاد و جوانب مشارکت زنان را من حیث کاندید و رأی‌دهنده در انتخابات پارلمانی و شوراهای ولایتی ۲۰۰۵، ۲۰۰۹ و ۲۰۱۰ مورد بررسی قرار دهد و تلاش دارد تا تجارب فردی مشارکت آن‌ها را در انتخابات گوناگون، دریافت‌ها و اهمیت هریک از این رویدادها و تأثیر آن بر زندگی اجتماعی و فردی‌شان را مورد مطالعه قرار دهد. این گزارش با تمرکز بر ولایات نسبتاً امن و کم‌تر محافظه‌کار مانند بلخ، بامیان و کابل، دربرگیرنده مصاحبه‌های کیفی با ۲۵ کاندید برنده و بازنده زن و نیز مصاحبه با بیش از ۱۰۰ نفر مردان و زنان هریک از شهرها و اطراف در این ولایات می‌باشد.

مقصودی و همکاران (۱۳۸۶) در مقاله‌ای تحت «عنوان مشارکت سیاسی زنان افغانستان در ساختار جدید قدرت پس از حادثه ۱۱ سپتامبر» عنوان می‌کنند که افغانستان یک جامعه قبیله‌سالار است که فرهنگ و سنت قبیله در آن دمیده و منبع تصمیم‌گیری در روابط اجتماعی-سیاسی را شکل می‌دهد. در

1. Women's Learning Partnership.

فرهنگ قبیله‌سالار، زن اولین قربانی است؛ زیرا فرهنگ قبیله‌ای، مردسالار و زن‌ستیز و خردگریز است. آنچه زنان افغان به آن نیاز دارند، آگاهی و آموزش است تا بتوانند به صورت تدریجی انگاره‌های ذهنی شکل گرفته در قالب دوگانه مرد-زن را که زنان را به صورت طبیعی کم‌توان‌تر و دارای استعداد طبیعی نازل‌تر می‌داند، تغییر دهند و در این راه بخش زیادی از مسئولیت بر دوش خود زنان افغان است. زنان افغان نشان داده‌اند که می‌توانند شرایط را تا حدودی به نفع خود تغییر دهند؛ اما بی‌شک این تلاش‌ها باید افزایش یابند و تا رسیدن به هدف که همانا برابری حقوق اجتماعی و سیاسی زنان افغان با مردان است، راه درازی در پیش می‌باشد.

مؤسسه انتخابات آزاد و عادلانه افغانستان<sup>۱</sup> (۱۳۹۴) در تحقیقی تحت عنوان «زنان و مشارکت سیاسی (چالش‌ها، دستاوردها، فرصت‌های بعدی)»، چالش‌های مشارکت سیاسی زنان را از نقطه‌نظر فعالان جامعه مدنی، وکلا، نهادهای مدافع حقوق بشر، زنان و فرهنگیان گنجانیده است. با توجه به گستردگی و اهمیت موضوع اشتراک زنان در پروسه‌های سیاسی کشور، فیفا توانست با افراد صاحب‌نظر در ولایت‌هایی چون کابل، ننگرهار، هرات، بلخ، بامیان، قندهار، بدخشان و پکتیا صحبت کرده و در این باره نظرات آن‌ها را جمع‌آوری کند. در این گزارش، به صورت عموم، اشتراک‌کنندگان خواهان توجه جدی به وضعیت اشتراک زنان در ولایات مختلف شدند. آن‌ها عواملی را که سبب جلوگیری از اشتراک زنان در پروسه‌های سیاسی می‌شوند، ذکر کردند. از جمله مهم‌ترین یافته‌های گزارش می‌توان به عوامل بازدارنده‌ای هم‌چون تهدیدهای امنیتی و وضعیت حاکم سیاسی کشور، رسوم و عنعنات حاکم در جامعه، دیدگاه سنتی نسبت به زن که باعث می‌شود زنان به صورت عمدی از حقوق‌شان محروم ساخته شوند، عدم آگاهی خانواده‌ها از پروسه‌های سیاسی به خصوص انتخابات، حاکمیت فرهنگ مردسالاری، بی‌سوادی زنان، بی‌باوری نسبت به توانایی زنان، خانه‌به‌دوشی و موجودیت رسم کار در خانه برای زنان، وابستگی اقتصادی زنان، کمبود پلیس زن در هنگام تأمین امنیت انتخابات، عدم استخدام کارمندان اناث در محلات رأی‌دهی زنانه و دور بودن مراکز رأی‌دهی از محل بود و باش خانواده‌ها اشاره کرد؛ لذا با وجود تمام این عوامل، حکومت وحدت ملی و نهادهای ذیربط در امر اجرائات قوانین مسئول‌اند که به این مهم رسیدگی نمایند تا محدودیت‌های موجود فراراه زنان- چه رأی‌دهندگان و چه نامزدان- در انتخابات آینده برطرف شود.

جوادی (۱۳۹۵) در تحقیقی تحت عنوان «مشارکت سیاسی زنان (با تأکید بر مشارکت سیاسی زنان افغانستان پس از جنبش مشروطیت)»، عنوان می‌کند با وجود این که مشارکت سیاسی زنان در برخی از امور حکومتی از منظر آموزه‌های دین مبین اسلام در مجموع تأیید شده است؛ اما حتی مشارکت

1. FIFA.

سیاسی حداقلی زنان در جامعه سنتی و مردسالار افغانستان همواره با مشکل روبه‌رو بوده است. ساختار سیاسی-اجتماعی اجازه نداده است که مشارکت سیاسی زنان به طور طبیعی در بستر فرهنگ سیاسی این کشور آزموده شود. ساختار سنتی جامعه که ریشه در باورهای قومی و مذهبی دارد، به شدت در برابر فرایند حضور زنان در سیاست مقاومت می‌کند. در مناطق شرق و جنوب شرق افغانستان، این مقاومت بسیار خشن، خونین و در مناطق مرکزی، شمال و شمال غرب افغانستان و هم‌چنین پایتخت و شهرهای اطراف آن، آشتی جویانه‌تر و سازگارتر بوده است.

همان‌طور که ملاحظه می‌شود، در گزارش‌های سازمان‌های بین‌المللی و مقالات ارائه شده، وضعیت زنان در افغانستان در سکتورهای مختلف مطلوب نمی‌باشد و توجه و حضور بیش‌تر خود زنان افغان و نهادهای داخلی و بین‌المللی را می‌طلبد.

#### ۴. وضعیت زنان در افغانستان

پایگاه زنان در جامعه افغانستان در دو دهه اخیر تحولات زیادی را تجربه کرده است. انبوه زنان که غالباً در جامعه افغانی به دور از مناسبات اجتماعی و سیاسی نگه داشته شده بودند، با فشارهای بین‌المللی، افزایش سطح امنیت، افزایش سطح سواد و گسترش آموزش عالی به توانمندی‌های خود دست یافته‌اند و هم‌اکنون طالب سطح بیش‌تری از مدیریت سیاسی در جامعه هستند. اما با بررسی آمارهای رسمی درمی‌یابیم که دست‌یافتن به این مهم کاری بسیار دشوار است. جامعه‌ای به شدت سنتی، باورها و نگاه‌های جنسیتی و... موجب شده تا روند توسعه سیاسی برای زنان به کندی صورت پذیرد.



#### ۴-۱. زنان در قانون اساسی افغانستان

«هر نوع تبعیض و امتیاز بین اتباع افغانستان ممنوع است. اتباع افغانستان اعم از زن و مرد در برابر قانون دارای حقوق و وجایب مساوی می‌باشند.» (قانون اساسی، ماده ۲۲).

قانون اساسی جدید، سیستم سهمیه را برای مجلس شورای ملی معرفی کرد که بر اساس آن (۲۷٪) از کرسی‌های ولسی جرگه و (۱۷٪) از کرسی‌های مشرانو جرگه به زنان اختصاص داده شده و (۵۰٪) نمایندگان انتصابی توسط رئیس جمهور باید زنان باشند (اوبراین و همکاران، ۲۰۱۰: ۶۶-۷۹).

#### ۴-۲. احکام مندرج در سایر قوانین

قوانین افغانستان، حقوق و آزادی زنان را تضمین می‌کنند و دولت افغانستان از نظر قانون به حفاظت

آنان در مقابل خشونت مکلف می‌باشد. در سال ۲۰۰۹ قانون منع خشونت علیه زنان از سوی رئیس جمهور طی یک فرمان تقنینی صادر شد. این قانون ۲۲ مورد به شمول ازدواج‌های اجباری و تجاوز را جرم شمرده است. جهت تقویت چارچوب حقوقی به منظور منع خشونت علیه زنان و افزایش مشارکت زنان، دولت افغانستان اقدامات مهم ذیل را روی دست گرفته است:

۱. تصویب قانون منع خشونت علیه زنان؛
۲. تعدیل بعضی از مواد قانون خدمات ملکی به نفع زنان؛
۳. تدوین قانون خانواده؛
۴. تدوین مقررات جهت پیش‌گیری از تبعیض؛
۵. تدوین مقررۀ مراکز حمایتی؛
۶. فقرۀ ۳۲ فرمان شماره ۴۵ ریاست جمهوری در مورد خشونت علیه زنان (پلان عمل ملی افغانستان، قطع‌نامه ۱۳۲۵ زنان، صلح و امنیت).

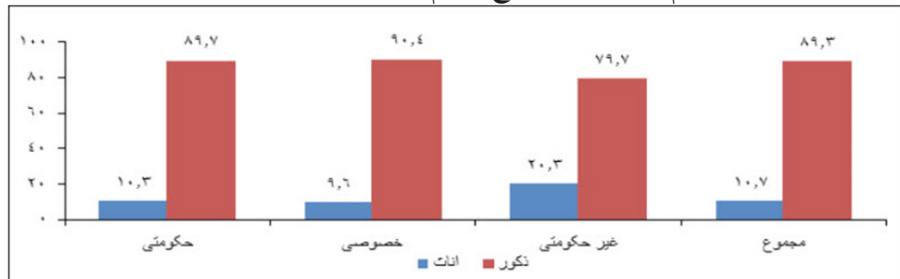
#### ۴-۳. مشارکت سیاسی زنان افغانستان

امروزه، بحث درباره نقش مشارکت سیاسی در فرایند توسعه کشورها، به خصوص مشارکت سیاسی زنان در این مورد، توجه اندیشمندان و سیاست‌مداران را به خود جلب کرده است. بدین لحاظ، تمام جوامع سعی بر این دارند که برای بهبود مشارکت سیاسی زنان اقدامات لازم را فراهم آورند و موانع موجود بر سر راه مشارکت سیاسی زنان را در تمام سطوح کاهش دهند. افغانستان یکی از این کشورها به شمار می‌رود. دو دهه گذشته تلاش‌های بسیاری برای حضور پررنگ‌تر زنان در عرصه‌های مختلف، به خصوص سیاست، انجام گرفته است. شناخت عوامل مؤثر بر فعالیت‌های سیاسی زنان به دلیل این که نیمی از جمعیت کشور را آنان تشکیل می‌دهند و باید به نسبت جمعیت خود در سیاست حضور داشته باشند و با مشارکت خود زمینه‌های گوناگون فرایند توسعه را تسریع بخشند، امری لازم و به‌جا است (Sharif, 2002). بر اساس پژوهش‌های انجام‌یافته، زنان نسبت به مردان آگاهی سیاسی کم‌تری دارند و در مقایسه با مردان از نظر سیاسی بی‌اعتنا ترند. در ملاک‌هایی چون نسبت درصد کرسی‌های پارلمانی در اختیار زنان، نسبت درصد زنان مدیر در مجموعه مدیران کشور، نسبت درصد زنان متخصص و حرفه‌ای در مجموعه شاغلان سیاسی متخصص کشور و نسبت درصد سهم زنان از درآمد تحقق‌یافته، بانوان اوضاع مناسبی ندارند و در مقیاس دسترسی‌شان به ساخت قدرت، بسیار ضعیف هستند (Najafinejad, 2005). همان‌طور که قبلاً اشاره شد، مشارکت سیاسی زنان تنها به شرکت در انتخابات و رأی‌دادن منتهی نمی‌شود؛ بلکه این مشارکت در بخش‌های مهم تصمیم‌گیری و حضور و



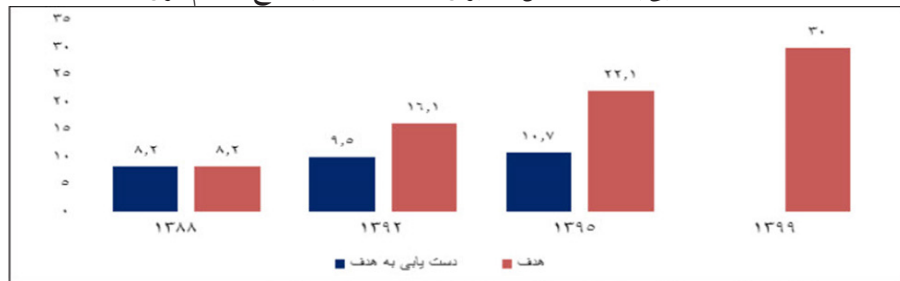
تأثیر در بخش‌های مدیریتی کشور نیز تعریف می‌شود. با توجه به این مطلب، توجه به آمار اداره مرکزی احصائیه درباره سهم زنان در تصمیم‌گیری به تفکیک سکتور و اهداف تعیین شده قابل تأمل است.

سهم زنان و مردان در سطح تصمیم‌گیری به تفکیک سکتورها ۱۳۹۵



منبع: سروی مشارکت زنان و مردان در سطح تصمیم‌گیری ۱۳۹۵ اداره ملی احصائیه و معلومات

دستیابی به اهداف تعیین شده برای زنان در رسیدن به سطح تصمیم‌گیری



منبع: سروی مشارکت زنان و مردان در سطح تصمیم‌گیری ۱۳۹۵ اداره ملی احصائیه و معلومات

اهداف پلان ملی کاری برای زنان که در آن مشارکت زنان به سطح تصمیم‌گیری ۳۰ درصد الی سال ۲۰۲۰ در نظر گرفته شده است، با در نظر داشت رشد سالانه ۵ فیصد بین سال‌های ۱۳۸۸ و ۱۳۹۲ و رشد سالانه ۳ فیصد بین سال‌های ۱۳۹۲ و ۱۳۹۵، رسیدن به اهداف ۳۰ درصد افزایش زنان در سطح تصمیم‌گیری الی سال ۲۰۲۰ ناممکن می‌باشد. جهت رسیدن به اهداف فوق لازم است پلان‌های مشخص و همه‌جانبه طرح شوند و به معرض تطبیق قرار گیرند.

#### ۴-۳-۱. تحصیلات

سطح تحصیلات تأثیر متقابلی بر میزان مشارکت سیاسی افراد دارد. افراد با تحصیلات بالا ممکن است به خاطر آگاهی‌هایی که دارند، در انتخابات شرکت یا از شرکت در آن اجتناب کنند. در همین ارتباط، دین و مذهب عامل مهم و شاید مهم‌ترین عامل در مشارکت عمومی می‌باشند. ادیان و مذاهب

مشارکت‌جو، مثل اسلام، افراد را به مشارکت در امور سیاسی - اجتماعی دعوت می‌کنند. بر همین اساس، در متون اسلامی به فرهنگ مشارکت بسیار توجه شده است. محمدباقر صدر منشأ مشارکت سیاسی - اجتماعی را محتوای درونی انسان‌ها می‌داند. محتوای درونی انسان‌ها در حقیقت اندیشه و اراده او را تشکیل می‌دهد و اساس جنبش‌ها را پدید می‌آورد. به عبارت دیگر، محتوای درونی انسان‌ها، زیربنای مجموعه‌پیوندهای اجتماعی و ساختار زندگی بشر روینای زندگی اجتماعی محسوب می‌شود. پیوند محتوای درونی انسان‌ها با وضعیت اجتماعی بیانگر نوعی رابطه علی است که آیه شریفه «إِنَّ اللَّهَ لَا يُغَيِّرُ مَا بِقَوْمٍ حَتَّىٰ يُغَيِّرُوا مَا بِأَنْفُسِهِمْ» (رعد/ ۱۱) بر آن دلالت می‌کند. این آیه به صراحت اعلام می‌کند که تغییر در سرنوشت اجتماعی انسان‌ها به تغییر در اراده فردی آن‌ها بستگی دارد. نقش آگاهی‌های عمومی را در گسترش مشارکت سیاسی نمی‌توان نادیده گرفت. درجه آگاهی سیاسی - اجتماعی شهروندان، رابطه مستقیم با میزان کیفیت جریان تبادل اطلاعات، سهولت دسترسی به آن و اعتماد عمومی دارد. معمولاً گرایش‌های حزبی، صنفی، گروهی، اجتماعی و سیاسی مردم و واکنش آنان در برابر عملکرد حکومت در عرصه‌های سیاسی، اجتماعی و اقتصادی به پیش‌زمینه‌های آگاهی بستگی دارد (زارچی، ۱۳۸۹: ۱۰).

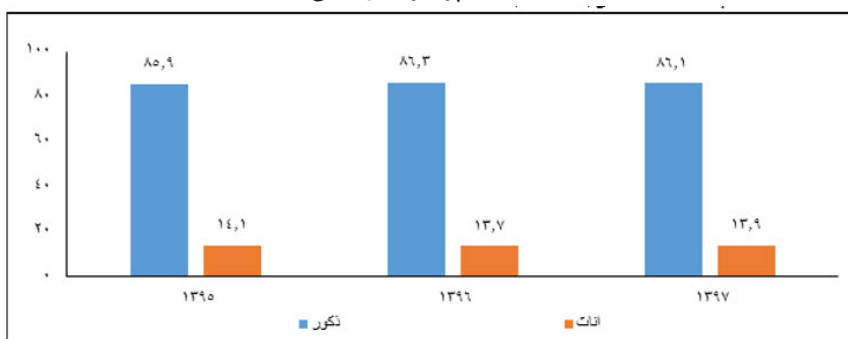
تقریباً نیمی از تمام اطفال سن مکتب در افغانستان، مکتب نمی‌روند (۷/۳ میلیون طفل) که از این میان، ۶۰ درصد آن دخترانند (نمای اجمالی نیازهای بشری افغانستان، ۲۰۱۹: ۳۰). در بسیاری از بخش‌های کشور زنان هنوز هم برای کسب تعلیم و کار کردن در خارج از خانه با موانع بزرگی مواجه‌اند. رسوم و عنعنات دیرینه فرهنگی و یک شورشگر سرسخت، به تهدید مصونیت فیزیکی و صحت زنان افغان ادامه داده و آن‌ها را از ورود به زندگی عامه، به خصوص در ساحات روستایی، که حدود (۷۵٪) زنان در آن زیست دارند، بازمی‌دارند (سیگار، ۲۰۱۶: ۳؛ تحلیل سیگار از تخمین نفوس افغانستان، ۲۰۱۸-۱۹: ۱). در سروی سال ۲۰۱۹ آسیافاندیشن آمده است از افغان‌ها پرسیده شده است که دو بزرگ‌ترین مشکل در برابر زنان در منطقه‌شان کدام‌ها بوده‌اند؟ پاسخ‌دهندگان در بیش‌ترین حد می‌گویند که نبود فرصت‌های آموزشی بزرگ‌ترین مشکل <sup>ناتسبی ۱۳۹۱</sup> در برابر زنان می‌باشد (۴۳،۲٪). به تعقیب آن نبود حقوق (۳۴،۱٪)، نبود فرصت‌های اشتغال (۲۴،۱٪)، خشونت (۱۸،۱٪)، نبود خدمات (۱۳،۷٪) و نگرانی‌های اقتصادی (۱۶،۹٪). با بررسی آمارها و گزارش‌های نهادهای داخلی و بین‌المللی در رابطه با تعداد دختران و زنانی که موفق به ادامه تحصیل شده‌اند، درمی‌یابیم که تعداد آنان بسیار اندک‌اند. هم‌چنین، با نگاهی به تعداد دانشجویان دختر در پوهنتون‌های دولتی و خصوصی و تعداد اساتید زن درمی‌یابیم که یکی از موانع جدی برای ورود زنان به دنیای سیاست، تحصیلات است. در زیر به بررسی اطلاعات به‌دست‌آمده از اداره مرکزی احصائیه در رابطه با میزان دانشجویان و استادان زن می‌پردازیم.

جدول فیصدی محصلین پوهنتون‌های دولتی



منبع: سالنامه احصائیوی ۱۳۹۵-۱۳۹۷ اداره ملی احصائیه و معلومات

استادان پوهنتون‌های دولتی



منبع: سالنامه احصائیوی ۱۳۹۵-۱۳۹۷ اداره ملی احصائیه و معلومات

تعداد محصلان و استادان در پوهنتون‌ها و مؤسسات تحصیلات عالی خصوصی

شاخص	جنس	۱۳۹۵	۱۳۹۶	۱۳۹۷
محصلان	مجموع	۱۵۸,۹۲۹	۱۸۱,۲۵۳	۲۰۰,۷۵۳
	ذکور	۱۲۲,۳۷۲	۱۳۵,۵۰۱	۱۴۹,۳۵۶
	انث	۳۶,۵۵۷	۴۵,۷۵۲	۵۱,۳۹۷
جندالشمولان	مجموع	۴۸,۹۰۲	۴۸,۹۳۱	۵۳,۹۴۴
	ذکور	۳۸,۷۱۳	۳۸,۷۲۴	۴۲,۸۱۸
	انث	۱۰,۱۸۹	۱۰,۲۰۷	۱۱,۱۲۶
فارغان	مجموع	۳۲,۷۶۹	۳۵,۵۸۰	۳۹,۵۱۸
	ذکور	۲۵,۵۵۱	۲۷,۳۸۰	۲۷,۶۸۹
	انث	۷,۲۱۸	۸,۲۰۰	۱۱,۸۲۹
استادان	مجموع	۹,۱۸۷	۱۱,۴۹۵	۱۲,۲۱۹
	ذکور	۸,۲۲۹	۱۰,۰۱۰	۱۰,۶۶۵
	انث	۹۵۸	۱,۴۸۵	۱,۵۵۴

منبع: سالنامه‌های احصائیوی ۱۳۹۵-۱۳۹۷ اداره ملی احصائیه و معلومات

## ۴-۳-۲. فرهنگ سیاسی

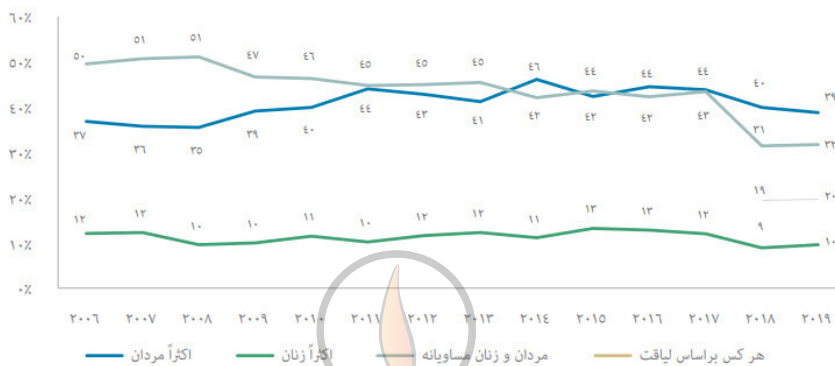
زمانی که ما از فرهنگ سیاسی صحبت می‌کنیم، در واقع وارد ذهن افراد شده‌ایم و با استفاده از ابزارهای روانکاوانه به بررسی دلایل جهت‌گیری و رفتارهای سیاسی آن‌ها می‌پردازیم (Haywood, 1997: 186). با استفاده از روان‌شناسی سیاسی درمی‌یابیم که چگونه عقاید و رفتارهای سیاسی فرد شکل می‌گیرند (Ranney, 1996: 45). فرهنگ سیاسی یکی از مهم‌ترین عوامل تعیین‌کننده در چگونگی ساخت قدرت و نیز میزان علاقه یا بی‌تفاوتی نسبت به مشارکت سیاسی است. «فرهنگ عبارت است از مجموعه‌ای از آداب، رسوم، اخلاقیات، اعتقادات و ارزش‌هایی که از طریق فرایند جامعه‌پذیری از نسلی به نسل دیگر منتقل می‌شود.» (هَچ، ۱۹۸۵: ۱۷۸). بنا به تعریف دیگر، فرهنگ سیاسی «مجموعه‌ای از طرز فکرها، عقاید، جهت‌گیری‌های درونی افراد نسبت به نظام سیاسی دولت‌مردان نسبت به جامعه دانسته شده که خود دارای ابعاد ادراکی، احساسی و ارزشی است (نقیب‌زاده، ۱۳۷۲: ۶۷). طبق سروی سال ۲۰۱۹ افغانستان که توسط آسیافاندیشن صورت گرفته<sup>۱</sup>، اکثریت مردان (۶۲٪) می‌خواهند که نماینده‌ایشان در پارلمان یک مرد باشد؛ در حالی که تناسب مردانی که می‌گویند آن‌ها خواهان یک نماینده زن هستند، در کم‌ترین میزان قرار دارد (۴،۲٪). تناسب مردانی که می‌گویند برای آن‌ها جنسیت نماینده‌ایشان فرق نمی‌کند (۳۳٪) به طور وسیع یکسان با یافته‌های سال‌های قبلی باقی مانده است. تعداد افغان‌هایی که می‌گویند زنان باید اجازه رأی‌دهی داشته باشند، در بلندترین حد خود قرار داشته (۸۹،۳٪)؛ اندکی بالاتر از رقم سال ۲۰۱۸ (۸۷،۷٪) بوده و ۵ واحد فیصد از رقم سال ۲۰۰۸ (۸۴،۱٪) بالاتر می‌باشد. اکثریت افغان‌ها (۵۹،۲٪) به این باورند که زنان خودشان تصمیم بگیرند که به چه کسی رأی بدهند؛ در حالی که نسبت کسانی که می‌گویند مردها باید به زنان مشوره دهند، به پایین‌ترین سطح (۱۶،۹٪) ایجاد شده در سال ۲۰۱۷ رسیده است. هم‌چنین، در این سروی آمده است که امسال، یکبار دیگر، نقش‌های فرضی فراوان رهبری برای زنان به پاسخ‌دهندگان ارائه شده و از آن‌ها پرسیده شد که آیا با آن موافقت دارند؟ پاسخ‌دهندگان با این که یک زن عضو شورای انکشافی منطقه شود، به میزان بیش‌تر قویاً موافق‌اند (۳۲،۹٪) نسبت به این که رئیس یک شرکت بزرگ باشد (۲۵،۲٪) یا والی یک ولایت (۱،۲۵٪) یا وزیر یا عضو کابینه (۲۴،۳٪) یا کاندید ریاست جمهوری (۲۲،۱٪) باشد. در عموم، چنانچه موقف‌های فرضی در امر مقام و رتبه و برجستگی و اهمیت عامه رشد می‌کنند، موافقت نیز کاهش می‌یابد. در کل، زنان نسبت به مردان در امر دسترسی زنان به موقف‌های رهبری بیش‌تر حامی هستند.

به منظور درک بهتر از نگرش‌ها نسبت به زنان در حوزه سیاسی، از پاسخ‌دهندگان پرسیده می‌شود

1. The Asia Foundation.

که آیا ترجیح می‌دهند یک مرد یا یک زن نماینده سیاسی آنها باشد و یا این که برای آنها جنسیت مسئله‌ای نیست؟ در نتایج یکسان با سال گذشته (۴۳،۶٪) پاسخ‌دهندگان می‌گویند که آنها به یک مرد ترجیح می‌دهند (۴۳،۷٪). در سال ۲۰۱۸ (۱۷،۵٪) می‌گویند که آنها به یک زن ترجیح می‌دهند (۱۹،۹٪). در سال ۲۰۱۸ و (۳۸٪) می‌گویند که برای شان تفاوتی ندارد (۳۵،۶٪). در سال ۲۰۱۸ زمانی که از پاسخ‌دهندگان در مورد این پرسیده شده است که زنان چگونه تصمیم بگیرند که رأی بدهند؟ (۵۹،۲٪) افغان‌ها می‌گویند که زنان باید خود تصمیم بگیرند که به چه کسی رأی می‌دهند. (۱۶،۹٪) می‌گویند که مردان باید برای آنها تصمیم بگیرند و (۲۳،۲٪) می‌گویند که زنان باید با مشوره مردها تصمیم بگیرند. در پاسخ به این سؤال آیا فکر می‌کنید که موقف‌های رهبری سیاسی اکثراً باید برای مردها باشد، اکثراً برای زنان باشد و یا این که فکر می‌کنید که مردها و زنان مساویانه در رهبری سیاسی نمایندگی داشته باشند، و یا فکر می‌کنید که موقف‌های رهبری باز باشد و هرکس بر اساس لیاقت خویش بیاید؟ هرکس بر اساس لیاقت در سال ۲۰۱۸ اضافه شد.

**نگرش در خصوص موقف‌های رهبری سیاسی**



در زیر، آمار مربوط به حضور زنان در بخش‌های مختلف حکومتی آمده است.

**بنیاد آندیشه**

**جدول تعداد والیان، معاونین، ولسوال‌ها و مشاورین حقوقی به تفکیک جنس**

شاخص‌ها	مجموع	نکور	اناث	فیصدی اناث نظر به مجموع
والیان	۳۴	۳۴	۰	۰
معاونین والیان	۳۹	۳۶	۳	۷،۷
ولسوالان	۳۶۹	۳۶۸	۱	۰،۳
مشاورین حقوقی	۶۶	۶۱	۵	۷،۶

منبع: سالنامه احصائیوی ۱۳۹۷ اداره ملی احصائیه و معلومات

جدول اعضای شورای ملی، شورا های ولایتی و اتحادیه ها

شاخص ها	مجموع	ذکور	اناث	فیصدی اناث نظر به مجموع
مشرانو جرگه	۶۷	۵۲	۱۵	۲۲,۴
اعضای شورا های ولایتی	۴۵۱	۳۵۵	۹۶	۲۱,۳
اعضای اتحادیه ها	۵۲۳,۴۳۸	۴۲۱,۱۹۷	۱۰۲,۲۴۱	۱۹,۵

منبع: سالنامه احصائیوی ۱۳۹۷ اداره ملی احصائیه و معلومات

جدول کارمندان عدلی و قضایی

شاخص ها	مجموع	ذکور	اناث	فیصدی اناث نظر به مجموع
قضات	۲,۰۶۱	۱,۸۰۰	۲۶۱	۱۲,۷
خارنوالان	۲,۲۰۱	۱,۸۹۶	۳۰۵	۱۳,۹
وکلاي مدافع	۲,۱۰۰	۱,۸۳۷	۲۶۳	۱۲,۵

منبع: سالنامه احصائیوی ۱۳۹۷ اداره ملی احصائیه و معلومات

#### ۴-۳-۴. امنیت

پیش نیاز هرگونه توسعه اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و سیاسی احساس امنیت و به ویژه امنیت زنان است. آگاهی از احساس امنیت ساکنان یک جامعه نقش مؤثری در شناخت چالش ها و ارائه راهبردهای توسعه ای در آن جامعه دارد. این امر برای زنان در جامعه محسوس تر است؛ لذا زنان آسیب پذیرترین قشر جامعه در رابطه با موضوع امنیت هستند و مقوله هایی چون محل سکونت و حمایت اجتماعی بر احساس امنیت اجتماعی زنان در کلیه شهرها مؤثر بوده و در مقابل وضعیت نامناسب اقتصادی، مزاحمت های خیابانی و همسر آزاری نیز از مهم ترین دغدغه های بسیاری از زنان به حساب می آید. در نظام های حقوقی، زمانی که صحبت از امنیت می شود، منظور امنیت مردم است. روش های حقوقی، ساختارهای تشکیلاتی حکومت همگی به گونه ای ترسیم می شوند که نتیجه کار امنیت جامعه باشد. در این وضعیت و نگرش، مقوله امنیت زنان مثل امنیت کودکان و سایر اقشاری که به لحاظ شغل و حرفه شان در معرض خطرات اجتماعی قرار می گیرند، مهم است. در واقع، بسیاری از این تبعیض ها و ستم ها را باید نیشأت گرفته از مناسبات ستم آلود میان زن و مرد دانست و تا این مناسبات ستم آلود دگرگونی نیابند، تحقق برابری واقعی زنان و مردان آرزویی بیش نخواهد بود؛ بنابراین، برابری قانونی به تنهایی نمی تواند تمام یا حتی بیش تر نابرابری ها را از بین ببرد و باید ضمن آن که از طریق تثبیت چارچوب های حقوقی بین المللی به برابری قانونی دست می یابیم، در کنار آن از طریق بالا بردن سطح آگاهی های عمومی در جهت حصول تساوی جنسی و از طریق تغییر سنن و الگوهای رفتاری دیرینه که موجب ادامه تبعیض علیه زنان می باشد، به تساوی واقعی نیز رسید (اکبری، ۱۳۷۴). در باب امنیت در حوزه کشوری با وجود این که نیروهای امنیتی و دفاعی افغانستان با طالبان

و سایر گروه‌های شورشی درگیر جنگ هستند، در سال ۲۰۲۰ خشونت و ناامنی در سراسر افغانستان همچنان در بالاترین حد باقی مانده است. شاخص جهانی صلح در فهرست سالانه خویشتن افغانستان را به عنوان ناامن‌ترین کشور جهان که جای سوریه را گرفته، ثبت کرده است (انستیتوت اقتصاد و صلح، ۲۰۲۰). ناامنی‌ها در سراسر کشور بر فعالیت‌های زنان نیز تأثیر مستقیم گذاشته است. برای تطبیق احکام مندرج در قانون اساسی، سایر قوانین، پالیسی‌ها و پلان‌های عمل تعدادی از ساختارهای ملی ایجاد شده‌اند. این ساختارها عبارتند از: وزارت امور زنان، کمیسیون مستقل حقوق بشر، محاکم فامیلی، کمیسیون‌های منع خشونت علیه زنان در مرکز و ولایات، کمیسیون منع سوءاستفاده جنسی از زنان و اطفال، سارنوالی اختصاصی منع خشونت علیه زنان و واحدهای ولایتی که قضایای خشونت علیه زنان را مورد تحقیق و تعقیب عدلی قرار می‌دهد. کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان در سال ۲۰۰۲ با هدف ترویج، تأمین و نظارت بر حقوق بشر و تحقیق موارد تخطی حقوق بشر ایجاد شد. وزارت امور داخله ۲۰۱ واحد پاسخ‌دهی به خانواده را در مراکز، ولایات و ولسوالی‌های بزرگ ایجاد کرده است که کارمندان آن پلیس زن می‌باشند و از سال ۲۰۱۳ بدین سو فعالیت دارند که ۱۷ واحد آن در کابل و ۱۸۴ واحد آن در ولایات فعالیت دارند. دولت جمهوری اسلامی افغانستان در جریان کنفرانس لندن در سال ۲۰۱۴ بر تطبیق قطع‌نامه ۱۳۲۵ تأکید کرد. زنان به انواع مختلف خشونت مانند تهدید، ارباب، حملات خشونت‌آمیز، تجاوز، قاچاق و ازدواج‌های اجباری در جریان منازعه و پس از منازعه مواجه می‌باشند. قطع‌نامه ۱۳۲۵ شورای امنیت سازمان ملل متحد بیان می‌دارد که زنان به صورت مشخص از خشونت جنسی در جریان منازعات و پس از منازعات آسیب‌پذیر بوده و خواستار حفظ آنان می‌شود. با در نظر داشت میزان این موضوع در افغانستان، دولت جمهوری اسلامی افغانستان در صدد حفظ زنان از طریق احکام ذیل در پلان عمل ملی می‌باشد:

- محافظت زنان از همه انواع خشونت و تبعیض از طریق تطبیق، نظارت و تعدیل قوانین موجوده و تدوین قوانین و پالیسی‌های جدید؛

- ترویج حقوق بشری زنان از طریق جندشمول ساختن قوانین، پالیسی‌ها و اصلاحات در نهادها؛  
- فراهم نمودن شرایط مساعد برای زنان جهت دسترسی آنان به عدالت از طریق مشارکت مؤثر و فعال زنان در سیستم عدلی و قضایی؛

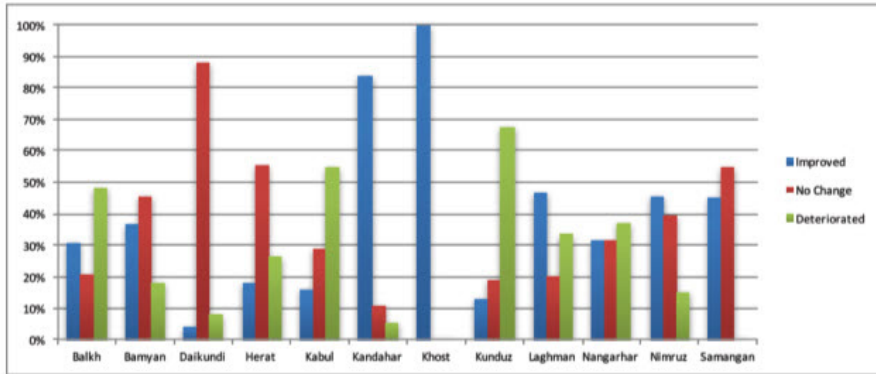
- حفاظت زنان از انواع خشونت از طریق بلندبردن سطح آگاهی؛

- فراهم کردن حمایت صحی، روانی و اجتماعی به قربانیان خشونت در سراسر افغانستان؛

- اتخاذ تدابیر مشخص جهت حفظ زنان از خشونت جنسی (پلان عمل ملی افغانستان، قطع‌نامه

۱۳۲۵ زنان، صلح و امنیت).

وضعیت امنیت ازدیدگاه زنان (مؤسسه مطالعات عامه افغانستان، نظارت بر پلان عمل ملی ۱۳۲۵)



با وجود مواردی که ذکر شد و با توجه به گزارشات و سروی‌های متعدد داخلی و بین‌المللی، هنوز جایگاه و موقعیت زنان بسیار شکننده می‌باشد. در ذیل، آماری مربوط به حضور زنان در اردو و نهادهای نظامی آورده شده است.

سهم زنان در پلیس ملی

رتبه	۱۳۹۵			۱۳۹۶		
	مجموع	زنان	مردان	مجموع	زنان	مردان
مجموع	۱۵۶,۹۲۵	۳,۹۳۲	۱۵۲,۹۹۳	۱۵۰,۳۲۸	۳,۰۷۱	۱۴۷,۲۵۷
افسر	۲۸,۵۴۵	۸۱۲	۲۹,۴۹۷	۲۸,۶۰۸	۷۷۹	۲۹,۸۲۹
سائتمن	۵۰,۳۶۶	۱,۹۸۹	۵۰,۹۰۲	۴۹,۶۱۴	۱,۱۱۰	۴۸,۵۰۴
سرباز	۷۱,۲۴۷	۱,۱۳۱	۷۲,۵۹۴	۷۰,۱۰۶	۱,۱۸۲	۶۸,۹۲۴

منبع: وزارت امور داخله  
نوت: ارقام مربوطه به سال ۱۳۹۷ ارائه نگردیده است.

تعداد پرسنل اردوی ملی در افغانستان به تفکیک جنس و رتبه

رتبه	۱۳۹۵			۱۳۹۶		
	مجموع	زنان	مردان	مجموع	زنان	مردان
مجموع	۱۷۴,۰۳۲	۱۰,۰۵۲	۱۷۲,۹۸۰	۱۸۴,۴۸۹	۱,۲۶۵	۱۸۳,۲۲۴
افسر	۳۳,۴۷۸	۵۵۷	۳۲,۹۲۱	۳۴,۸۱۸	۶۴۷	۳۴,۱۷۱
بریدمل	۵۹,۹۵۵	۳۸۱	۵۹,۵۷۴	۶۳,۶۱۵	۴۸۰	۶۳,۱۳۵
سرباز	۸۰,۵۹۹	۱۱۴	۸۰,۴۸۵	۸۶,۰۵۶	۱۳۸	۸۵,۹۱۸

منبع: وزارت دفاع ملی  
\*در سال ۱۳۹۷ ارقام ارائه نگردیده است



## ۵. نتیجه گیری

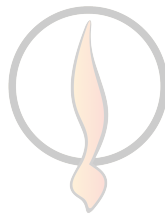
بر اساس نظریهٔ اثربخشی سیاسی «باندورا» و «رابرت دال» و سایرین، افرادی که احساس می‌کنند مشارکت سیاسی آنان در سرنوشت جامعه تأثیرگذار است، فعالیت سیاسی خود را تکرار و یا آن را افزایش می‌دهند و در غیر این صورت دست از آن برمی‌دارند. بر این اساس، اگر حضور زنان در عرصه‌های گوناگون پررنگ باشد و زنان جامعه احساس کنند که با فعالیتهای خود می‌توانند در جامعه اثرگذار باشند، بر فعالیت اجتماعی و سیاسی خودشان افزوده و مشارکت مقدارشان افزایش خواهد یافت. در افغانستان، مشارکت سیاسی زنان، مقدار عضویت زنان در سازمان‌ها، نهادها و انجمن‌های گوناگون بسیار کم‌رنگ بوده و عمده فعالیت آنان به شرکت در انتخابات اختصاص دارد. ایالات متحده از سال ۲۰۰۲ بدین سو برای ارتقای موقف زنان در افغانستان بیش از ۱ میلیارد دلار به مصرف رسانیده است. با وجود این هزینه، دستاوردهای زنان در افغانستان شکننده باقی مانده است (سبگار، ۲۰۱۹). مهم‌تر از همه، تمویل‌کنندگان، مردم کشورهای غربی و فعالان افغان و متحدان محلی آن‌ها باید این را بپذیرند که حمایت بیرونی به هیچ‌وجه نمی‌تواند جایگزین سازمان‌های سیاسی محلی شود. زنان افغان تنها در صورتی می‌توانند به تساوی جنسیتی در درازمدت دست پیدا کنند که به یک نیروی سیاسی قابل شناخت در داخل کشورشان تبدیل شوند، چه از طریق شرکت در انتخابات و یا از راه‌های دیگر.

گفت‌وگوهای اخیر ایالات متحده و هیأت مذاکره‌کننده افغانستان با طالبان، پرسش‌هایی را به میان کشیده است. آیا دستاوردهای شکننده‌ای که در بخش حقوق زنان حاصل شده حفظ خواهند شد یا خیر؟ از این رو، نگرانی نخست این است که یک توافق صلح که ممکن است طالبان را در حکومت افغانستان بگنجاند، آیا این اجازه را خواهد داد که وضعیت زنان در افغانستان به همان حالتی که تحت رژیم قبلی طالبان بود، برگردد یا متعهد به دستاوردهای زنان در دو دههٔ گذشته خواهند بود؟ با در نظر داشت موارد ذکر شده می‌توان عنوان کرد که از میان تمام مشکلاتی که زنان افغان با آن‌ها دست و پنجه نرم می‌کنند، امنیت، تحصیلات و فرهنگ سیاسی مهم‌ترین عوامل بازدارنده برای حضور زنان در فعالیتهای سیاسی می‌باشند؛ لذا حکومت، جامعهٔ بین‌المللی و نهادهای حقوق بشری باید بیش‌ترین تلاش خود را برای رفع این موانع انجام دهند.

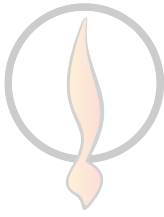
## منابع

۱. آسایش زارچی، محمدجواد (۱۳۸۹)، «زمینه‌های فرهنگی مشارکت سیاسی، مجله مدیریت فرهنگی، سال چهارم، شماره ۹.
۲. اکبری، نعمت‌الله (۱۳۷۴)، کنش و واکنش متقابل مشارکت زنان در اجتماع و توسعه فرهنگی، سمینار زن و توسعه فرهنگی، دانشگاه الزهراء.
۳. انستیتوت اقتصاد و صلح، شاخص جهانی صلح، ارزیابی صلح در جهان پیچیده، جون ۲۰۲۰: سیدنی.
۴. بویتر، مایرو (۱۳۸۰)، مشارکت سیاسی: بحران فرایند سیاسی، مجموعه مقالات بحران‌ها و توالی‌ها در توسعه سیاسی، به کوشش لوستین پای و دیگران، ترجمه غلامرضا خوجه سروی، تهران، پژوهشکده مطالعات راهبردی.
۵. تانسی، ایستوب (۱۳۳۱)، مقدمات سیاست، ترجمه هرمز همایون پور، تهران، نشر نی.
۶. جعفری لنگرودی، محمدجعفر (۱۳۷۶)، ترمینولوژی حقوق، تهران، انتشارات گنج دانش.
۷. دوروزه، موريس، مبانی علم سیاست، ج ۱، ترجمه عبدالحمید ابوالحمدا.
۸. دیانا. ز. اوبراین، مونا لینا. کروک و کریستا. م. سویپ (۲۰۱۰)، «قشون نظامی و حضور زنان»، ژورنال فمینیستی سیاست بین‌المللی ۱۲، شماره ۶۶-۷۹.
۹. سیگار، گزارش ربوعار به کانگرس ایالات متحده ۱۶/۳/۲۰۱۰، ص ۳؛ تحلیل سیگار از تخمین نفوس افغانستان ۲۰۱۸-۱۹. از سوی اداره ملی احصائیه و معلومات جمهوری اسلامی افغانستان، ۱۸/۲۰۲۷/۲۰۱۸، ص ۱.
۱۰. شایگان، حسین (۱۳۷۴)، مباحثی از حقوق زن از منظر حقوق داخلی، مبانی فقهی و موازین بین‌المللی، تهران، انتشارات اطلاعات.
۱۱. شجاعی، زهرا (۱۳۸۳)، مجموعه مقالات برای زنان فردا، جلد ۱، تهران، انتشارات سوره مهر.
۱۲. عالم، مجید (۱۳۷۲)، «مشارکت سیاسی زنان و عوامل اجتماعی مؤثر بر آن: مطالعه موردی شهرستان بندرعباس»، مجله تخصصی علوم اجتماعی، سال چهارم، شماره ۳.
۱۳. لغت‌نامه دهخدا، ج ۳، ذیل واژه سیاست.
۱۴. لیپست، س. م (۱۳۸۳)، دایره‌المعارف فارسی (جلد ۳)، تهران، کتابخانه تخصصی وزارت خارجه.
۱۵. میشل، آندره (۱۳۷۲)، جنبش اجتماعی زنان، ترجمه هما زنجانی‌زاده، مشهد، نشر لیکا.
۱۶. نقیب‌زاده، احمد (۱۳۷۲)، سیاست و حکومت در اروپا، تهران، انتشارات سمت.
۱۷. نوهلن (۱۳۷۰)، سامان سیاسی در جوامع دستخوش دگرگونی، ترجمه محسن ثلاثی، تهران، نشر علم.
18. <https://port/world/peace-global-index-2019.int.relif>، نامسی ۴.
19. Austin, Ranney (1994). *Governing New Jersey*. New York: Prentice Hall.
20. Elvin Hatch. "Culture" in Adamkupor & Jessica Kuporce Andrew, Haywood (1997). *Politics*. London: MacMillan.
21. Held, D (1984), *Power and Legitimacy in Contemporary Britain*, in Mclenan, G.Held, D.and Hall, S. *State and Society in Contemporary Britain: A Critical Introduction*, Polity Press.
22. Miller, R.L. Wilford, R. & Donoghue, F. (2006). *Personal dynamics aspolitical participation*, *Political Research Quarterly*, Vol. 52, No. 2, pp. 269-291.
23. Najafinejad, A. (2005) *The effect social culture of the Turkmen women's political participation*, master's thesis, Islamic Azad University.

24. Parry, G. and Moyser, G. (1990), A map of Political Participation in Britain, Government and Opposition, vol. pp147- 69.
25. Scaff, Lawrence A (1975) "Two Concepts of Political Participation." Western Political Quarterly, Vol. XX-VIII, NO3 (September).
26. Sharif, M.R. (2002). Introduction to the development of political culture in Iran, Tehran, published by Aperture.
27. Zelek, Tigist (2005), Ethiopian Women Lowyers Association the Politic Participation of Women in Ethiopia: Challenges and Prospects, addisababa.



بنیاد اندیشه  
تاسیس ۱۳۹۴



بنیاد اندیشه  
تاسیس ۱۳۹۴